

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نردوی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۱۰۰ - یکشنبه ۹۲/۳/۵

### نقد و بررسی اشکال سید حیدر صدر رحمته الله علیه (شبهه‌ی حیدریه)

این اشکال نیز به صورت اول فرض ما وارد نیست؛ زیرا فرض آن است که علم به ملاقات، بعد از علم اجمالی به نجاست حاصل می‌شود و فرض آن است که هر دو طرف دارای اصالة الحلیة و اصالة الطهارة هستند. با سقوط اصالة الطهارة طرفین، نوبت به اصالة الحلیة طرفین می‌رسد و آنها نیز ساقط می‌شوند و هنگامی که ملاقات رخ می‌دهد در طرفین هیچ اصلی جاری نیست، لامحاله اصالة الطهارة در ملاقی بدون معارض جاری است.

آری، اگر در طرف ملاقی اصلی باقی بماند آن اصل می‌تواند با اصالة الطهارة ملاقی معارضه کند و اشکال سید حیدر صدر رحمته الله علیه در این فرض وارد است.

### راه حلّ مختار در عدم لزوم اجتناب از ملاقی

در یکی از مباحث گذشته عنوان کردیم که اگر یکی از دو طرف علم اجمالی به واسطه‌ی علم اجمالی سابق لازم الاجتناب باشد و تکلیف محتمل در آن علی فرض وجود با علم اجمالی سابق منجز شده باشد، علی‌رغم رأی بعضی، لازم نیست که از طرف علم اجمالی دوم اجتناب شود؛ زیرا زمانی علم اجمالی منجز است که علم به تکلیف فعلی جدید علی کلّ تقدیر باشد. بدین جهت در مانحن فیه نیز اجتناب از ملاقی لازم نیست زیرا یکی از صغریات همان مطلب است؛ زیرا فرض آن است که مکلف علم دارد یا «الف» نجس است و یا «ب»، سپس شیئی با «الف» ملاقات می‌کند و علم اجمالی به نجاست ملاقی یا «باء» حاصل می‌شود که در حقیقت علم اجمالی دومی است که یک طرف آن با علم اجمالی سابق لازم الاجتناب

شده بود. در نتیجه این علم جدید، علم به تکلیف جدید دیگری علیٰ کلّ تقدیر نیست و در نتیجه ملاقی مجرای اصل مؤمن بلامعارض است. بنابراین اساس این مسئله با مبنای منتخب از بین می‌رود.

## صورت دوم در مسئله

ابتدا ملاقات و علم به ملاقات رخ می‌دهد و سپس علم اجمالی به نجاست احد الطرفین حاصل می‌شود. مثلاً ساعت هفت شیئی با ظرف «الف» ملاقات می‌کند و در ساعت نه با شهادت عدلین یا راه دیگری علم حاصل می‌شود که ساعت شش (قبل ملاقات) یکی از دو إناء «الف» یا «ب» نجس بوده است، حال آیا تنها اجتناب از «الف» و «ب» لازم است یا از ملاقی «الف» نیز باید اجتناب شود؟

برخی صورت دوم را به دو حالت تقسیم کرده‌اند؛

۱- حالتی که زمان تنجس ملاقی و نجاست یکی از دو طرف، واحد باشد و در همان لحظه‌ای که ملاقات رخ داده است تنجس احد الطرفین نیز اتفاق افتاده باشد. مثلاً دو إناء با آب قلیل وجود دارد و در یکی از دو إناء لباسی قرار دارد، سپس رأس ساعت هشت که لباس در یکی از دو ظرف وجود دارد قطره‌ی خونی به یکی از دو ظرف برخورد کرده است و آنگاه ساعت نه علم اجمالی به نجاست احد الإنائین حاصل می‌شود.

روشن است که باید از دو ظرف اجتناب شود و مادامی که لباس مذکور خیس است باید از آن اجتناب کرد، اما اگر این لباس خشک شود باز هم اجتناب از آن لازم است؟ طبیعی است که با فرمول شیخ انصاری رحمته الله اجتناب از این لباس لازم نیست؛ زیرا اصالة الطهارة در لباس، اصل مسببی است و با اصالة الطهارة طرفین که سببی است معارضه نمی‌کند. ولکن گذشت که گرچه اصالة الطهارة ملاقی نسبت به اصل ملاقی مسببی است اما نسبت به اصالة الطهارة طرف ملاقی مسببی نیست و فرض آن است که زماناً نیز اصالة الطهارة در طرف ملاقی بر اصالة الطهارة ملاقی مقدم نیست، به‌ناچار با یکدیگر تعارض و تساقط می‌کنند و نمی‌توان با اصالة الطهارة، لباس خشک را طاهر دانست.

**إن قلت:** اصالة الطهارة طرف ملاقی با اصالة الطهارة ملاقی در یک رتبه هستند، لامحاله اصالة الطهارة طرف ملاقی بر اصالة الطهارة ملاقی مقدم است و با هم تعارض نمی‌کنند.

**قلت:** تقدّم و تأخر، دارای ملاک است. ملاک تقدّم اصالة الطهارة ملاقی در طرف ملاقی موجود نیست؛ زیرا رابطه‌ی سببیت و مسببیت بین شکّ در طهارت طرف ملاقی و ملاقی وجود ندارد، لهذا ملاک تقدّم وجود ندارد و چون زماناً نیز اصل طهارت در طرف ملاقی تقدّم ندارد با اصالة الطهارة ملاقی درگیر شده و

ساقط می‌شود.

بنابراین تا کنون راهی برای جواز پوشیدن این لباس در نماز ارائه نشد.

### راهکار مختار در صورت دوم

بنابر مبنای صحیح، نجاست لباس بعد از خشک شدن - بر فرض وجود - موضوع جدیدی خواهد بود و غیر از نجاستی است که در یکی از دو إناء پدید آمده است. لهذا اگر علم به نجاست جدید حاصل شود ولو اجمالی باشد منجّز است، ولی مادامی که نجاست در حدّ احتمال مورد نظر باشد و احتمال آن داده می‌شود مجرای اصل است، لهذا می‌توان گفت ولو آنکه ملاقات با نجاست معلومه بالاجمال در یک زمان اتفاق افتاده است اما نجاست احد الإنائین با نجاست لباس، دو نجاست است و واحد نیستند. بدین جهت علم اجمالی به وقوع نجس در إناء «الف» یا «ب» موضوع یک حکم تکلیفی خواهد بود و باید اجتناب شوند و علم اجمالی دوم که می‌گوید یا لباس نجس است یا طرف «ب»، یک موضوع جدید است ولی چون این نجاست جدید احراز نمی‌شود - زیرا ممکن است نجاستی که اجمالاً وجود دارد همان نجاست سابق باشد - بنابراین علم اجمالی دوم علم به تکلیف فعلی علی کلّ تقدیر نمی‌باشد.

مقرر: سید حامد طاهری